

تأثیر عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان بر ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی

حسین کبریایی زاده¹

نوشتار حاضر سعی دارد با رویکردی نوکارکردگرایانه، دستاوردهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت را در سه دوره از روابط ترکیه و ارمنستان یعنی بازگشایی مرزها، عادی سازی روابط و شرکای قابل اعتماد در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه به بحث بگذارد. با این روش نگارنده، پویایی حاکم بر روابط دو کشور و تکامل آن در مرحله‌های زمانی ذکر شده و همچنین در بستر منطقه را در نوشتار حفظ خواهد کرد. در کوتاه مدت تمرکز بحث بیشتر بر تأثیراتی است که بازگشایی مرزها بر اقتصاد دو کشور دارد و در میان مدت، ترمیم و راه اندازی زیر ساخت‌های منطقه‌ای به جا مانده از زمان اتحاد جماهیر شوروی و شکل دهی به زیرساخت‌های جدید ارتباطی و همچنین خطوط لوله حامل‌های انرژی و انطباق آنها با پروژه‌های اروپایی بحث می‌شود که مقدمه‌ای بر همگرایی اقتصادی منطقه خواهد بود. در نهایت، روند سرایت یا سرریز حوزه‌های ذکر شده به همگرایی اقتصادی در بلند مدت، ترکیب جدید اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی و همچنین حل و فصل مناقشات منطقه‌ای همچون مناقشه قره باغ در سطح منطقه مطرح خواهد شد. این رویکرد سبب می‌شود هم آینده منطقه در پی چنین تحولی برای مخاطب ملموس‌تر گردد و هم روندی که در ابتدای راه خود قرار دارد را با نگاهی عملگرا به طرف‌های ذی‌نفع معرفی کند تا موجبات تکمیل آن با مساعی بیشتری از ناحیه کشورهای ذی‌نفع، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم گردد.

واژگان کلیدی: ترکیه، ارمنستان، قفقاز جنوبی، مبادلات تجاری، زیرساخت‌های ارتباطی، همگرایی اقتصادی.

¹ پژوهشگر روابط بین الملل در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال سه جمهوری آن به واسطه حلقه‌های به هم پیوسته تنش و تعارض به سرنوشتی مبهم دچار گشته است و در این راستا اقدامات و تلاش ترکیه و ارمنستان در چند سال اخیر برای عادی سازی روابط که برآمده از ضرورت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است به نظر می‌رسد، توان برداشتن دومینوهای تعارض و تنش از پیش روی توسعه و ثبات منطقه را داشته و آغازی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات منطقه‌ای می‌باشد.

از این رو، عادی سازی روابط ارمنستان و ترکیه به‌رغم ماهیت پیچیده و چند وجهی آن که بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را درگیر خود ساخته ولی به دلیل ظرفیت بالا در حل و فصل اختلافات منطقه‌ای و کاهش سطح تنش در منطقه و ایجاد ثبات و امنیت، مورد توافق و تامین کننده منافع طرف‌های مختلف است؛ این نکته کلیدی، مهم‌ترین عامل است که به‌رغم مشکلات پیش روی عادی سازی روابط، این روند را به جلو خواهد راند و آینده آن را تضمین خواهد کرد.

با توجه به رویکرد نوکارکردگرایی که در مقدمه به آن اشاره گردید، ناگزیر به توضیح مختصری از این نظریه به فراخور نوشتار می‌باشیم.

معروف‌ترین نظریه‌های سیاسی همگرایی، کارکردگرایی و نوکارکردگرایی است. نگارنده از بین این دو نظریه، نگاه ارنست هاس را به دلیل کنار گذاشتن بعد هنجاری نظریه کارکردگرا و تاکید بیشتر بر اهمیت منافع ملی و عملگرایی‌تر شدن رفتار بازیگران در پیگیری منافع، سازگارتر با موضوع مورد بحث و مختصات منطقه می‌داند.

هاس، فرآیند همگرایی را در بستری غیر سیاسی، یعنی در زمینه اقتصادی و اجتماعی و فنی مورد توجه قرار می‌دهد. وی مانند میترانی کارکردگرا، معتقد است که فرآیند همگرایی در حوزه سیاست ملایم آغاز می‌شود و همکاری را پیش می‌برد. اما تفاوت وی با میترانی در این نکته است که هاس حوزه اقتصاد و سیاست را به مانند میترانی جدا از هم تلقی نمی‌کند و به اهمیت سیاست و تاثیرگذاری آن بر اقتصاد اذعان دارد. امری که ما نیز در شروع فرآیند عادی سازی روابط و همگرایی ترکیه و ارمنستان در نشست 2008 مونیخ شاهد آن می‌باشیم.

وجه بارز نظریه نوکار کردگرایی، مفهوم سرایت یا سرریزی¹ است. این مفهوم بندی بدان معنا است که هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش، وضعیتی را ایجاد می‌کند که مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر است و همگرایی از بخشی به بخش دیگر سرریز می‌شود. هاس معتقد است همگرایی بخشی² که از حوزه سیاست پایین یا نرم شروع می‌شود با تغییری که در رفتار، ارزش‌ها، انتظارات طرفین صورت می‌گیرد به حوزه سیاست و امنیت تسری می‌یابد. در واقع درس‌هایی که در یک حوزه گرفته می‌شود با انتقال به حوزه‌های دیگر موجب تسهیل همکاری می‌شود، البته این بدان معنا نیست که کشورها در تمامی حوزه‌ها به یک شکل عمل می‌کنند. گاهی عملاً نیل به سیاست‌های مشترک بسیار دشوار است و در چنین شرایطی این نهاد‌های فوق ملی هستند که نقش میانجی را ایفا می‌کنند و با تشویق طرفین به دادن امتیاز به روند همگرایی در حوزه‌های مختلف یاری می‌رسانند. (مشیرزاده، 1385، ص 60-64)

نگارنده نیز با منطقی که از این دریچه نظری فرا روی وی قرار می‌گیرد، سعی در بررسی تأثیرات عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان ابتدا در حوزه اقتصاد و سپس در حوزه سیاست و امنیت در سه روند زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت دارد.

تاریخچه مختصر روابط ترکیه و ارمنستان

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991 چشم انداز سیاسی و ژئوپلیتیک اوراسیا دچار تغییر شگرفی شد. در منطقه قفقاز جنوبی به عنوان قلب این پهنه جغرافیایی، سه جمهوری ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان متولد شدند. ترکیه به عنوان همسایه پرنفوذ این جمهوری‌ها در 9 نوامبر 1991 جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و دو جمهوری دیگر را نیز یک ماه بعد یعنی در 16 دسامبر بدون هیچ تبعیضی، مورد شناسایی سیاسی قرار داد. همان سال، اولین ارتباط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور برقرار گردید.³ بعد از این دیدار هیأتی بلندپایه از ارمنستان روانه ترکیه شد تا راه‌های همکاری بیشتر در منطقه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در بخش تجاری را بررسی کنند. (Oskanyan, 2007)

¹ Spill-Over

² Sector Integration

³ . سفر ولکان ورال، سفیر ترکیه در مسکو در آوریل 1991 به ایروان به منظور دیدار و گفتگو با رئیس جمهور ارمنستان در مورد آینده روابط دو کشور.

بعد از دیدار سفیر ترکیه از ارمنستان، وی برای عضویت ارمنستان در سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه از لئون ترپتروسیان، رئیس جمهور ارمنستان دعوت به عمل آورد. حضور ترپتروسیان در نشست سازمان همکاری‌های اقتصادی منطقه دریای سیاه در سال 1992 نشان از عزم راسخ ارمنستان برای برقراری ارتباط سازنده با همسایه ترک خود داشت.

زمانی که ترپتروسیان، رافی هوانسیان وزیر خارجه خود را به دلیل سخن ضد ترکی وی در نشست وزرای خارجه شورای اروپا برکنار کرد، این حرکت رئیس جمهور ارمنستان، فضای مطلوبی میان دو کشور ایجاد کرد و به نظر می‌رسید روابط دو کشور همسایه به سرعت به سطح بالایی از همکاری نزدیک می‌شود تا جایی که ترکیه 100000 تن گندم در قالب کمک انسان دوستانه به ارمنستان اهدا کرد و همچنین برای احداث یک شبکه انتقال برق میان دو کشور مذاکراتی صورت گرفت؛ اما با توجه به مناقشه قره باغ که طی آن نیروهای ارمنی، منطقه قره باغ واقع در حدفاصل دو کشور آذربایجان و ارمنستان را اشغال کردند، این وضعیت به یک باره روابط دو کشور را به بدترین شکل ممکن تغییر داد. در اولین گام، ترک‌ها قرارداد انتقال برق را فسخ کردند تا روند برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور به بن بست برسد. سپس سردی روابط دو کشور به حدی رسید که ترک‌ها مرزهای خود را با ارمنستان بستند و روابط میان دو کشور به طور کامل قطع گردید. (Görgülü, 2008: 125)

با آغاز هزاره سوم و تغییراتی که در محیط‌های داخلی و پیرامونی ترکیه حادث شد، مانند تغییر هیات حاکمه در ترکیه، تقلیل اهداف بلندپروازانه و توسعه طلبانه ترکیه، تعریف عقلانی از مناسبات با جمهوری آذربایجان، جلوگیری از انزوای ترکیه در پی تحولات منطقه و جهان، تغییر درک نظامیان ترک از منافع ملی، فشارهای قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و در نهایت عزم رهبران ترک برای پیوستن به اتحادیه اروپا از جمله علل نزدیکی دو کشور ترکیه و ارمنستان در سال‌های اخیر می‌باشد.

شروع مناسبات سیاسی و در واقع سنگ بنای عادی سازی روابط به نهم جولای سال 2001 باز می‌گردد، زمانی که کمیسیون آشتی ترکیه و ارمنستان متشکل از سیاستمدارانی از ارمنستان، ترکیه، روسیه و امریکا در ژنو سوئیس گرد هم آمدند تا به اختلافات دیرینه این دو کشور همسایه پایان دهند. هر چند این کمیسیون به دلایلی مثل چالش‌زا بودن موضوعات اختلاف، مواضع همسایگان ذی‌نفع مانند جمهوری آذربایجان، افکار عمومی هر دو کشور مخصوصاً ارمنستان، نتوانست انتظارات شرکت کنندگان را فراهم کند؛ اما شروع خوبی

برای رفت و آمدهای دیپلماتیک به شمار می‌آید به نحوی که بعد از این کمیسیون، مراودات دیپلماتیک دولتمردان دو کشور بسیار افزایش یافت و سرانجام در سال 2009 به توافقنامه زوریخ انجامید. (قهرمانپور، 1388، ص 9)

در همین راستا، می‌توان به ملاقات بی‌سابقه وارطان اسکانیان وزیر خارجه وقت ارمنستان با عبدالله گل وزیر خارجه ترکیه در حاشیه اجلاس رهبران مدیترانه در اسپانیا در سال 2002 اشاره کرد که بازتاب‌های زیادی در منطقه داشت و بسیاری را به این نتیجه رساند که نشانه‌های بهبود روابط دو کشور همسایه افزایش یافته است. از جمله بازدیدهای رسمی مهم دیگری که بازتاب‌های زیادی در حسن روابط دو کشور داشت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (احمدپور، 1389، ص 49)

- به دنبال انجام انتخابات در ارمنستان که به پیروزی مجدد کوچاریان منجر گردید، احمد نجت سرز رئیس جمهور ترکیه پیام تبریکی به عنوان رئیس جمهور ارمنستان ارسال نمود که این اقدام با ابراز نگرانی جمهوری آذربایجان همراه شد.
- سفر اقوال سیال به امریکا و انجام ملاقات با مقامات این کشور و اعلام آمادگی در خصوص برقراری مجدد روابط ترکیه با ارمنستان همچنین ارائه پیشنهاد برگزاری اجلاس سه جانبه بین ارمنستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه.
- بررسی لغو محاصره ارمنستان توسط مقامات عالی رتبه ترک از جمله دبیر شورای امنیت این کشور در بحبوحه مناقشه قره باغ.
- حضور سربازان ترکیه در مانور «بهترین تلاش 2003» در ارمنستان در روزهای 16 و 17 ژوئن سال 2003.

• سفر عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه به ایروان در سال ۲۰۰۸ که در چارچوب دیدارهای مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ برگزار شد و به دیپلماسی فوتبال معروف گردید؛ این سفر به عنوان اولین سفر یک مسئول ارشد ترکیه به این کشور، فصل جدیدی را در مناسبات ترکیه و ارمنستان گشود و دریچه امیدی به روی عادی سازی مناسبات دوجانبه باز کرد به طوری که نخست مقامات ارشد دو کشور اعلام نمودند، هرگز تا بدین اندازه به یکدیگر نزدیک نشده بودند وزیر ترکیه نیز در این رابطه گفت: امید دارد این سفر روابط تیره ۹۰ ساله این دو کشور را بهبود سفر عبدالله گل، اولین سفر یک مقام عالی رتبه ترکیه به ایروان در ۷۳ سال گذشته . بخشد

بود. قبل از وی عصمت این اونو نخست وزیر وقت ترکیه در سال ۱۹۳۵ به ارمنستان سفر کرده بود.

• اوج روند عادی سازی روابط، اقدام وزیران خارجه ترکیه و ارمنستان در امضای موافقتنامه پنج ماده‌ای با میانجیگری سوئیس در سال 2008 بود که در آن بر عادی سازی مناسبات، بازگشایی مرز، شناسایی قرارداد قارص و بررسی مشترک مساله کشتار ۱۹۱۵ آرامنه تاکید شده بود. در این نشست، وزیران خارجه دو کشور، درباره مفاد دو موافقتنامه توافق کردند. موافقتنامه اول در خصوص از سرگیری روابط دیپلماتیک و موافقتنامه دوم در باب توسعه مناسبات در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف است که هر یک دارای مفاد و بندهای مختلفی می‌باشد. موافقتنامه‌های امضا شده توسط ترکیه و ارمنستان باید توسط پارلمان‌های این دو کشور مورد تائید قرار گیرد که تاکنون به دلیل اختلاف دیدگاه‌های دو طرف در مسایلی چون نسل کشی و مناقشه قره باغ مورد تصویب پارلمان‌های دو کشور قرار نگرفته است.

تاثیرات عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان بر منطقه قفقاز جنوبی

با توجه به نگاه نوکارکردگراها که به عنوان مبنای نظری نوشتار در نظر گرفته شده، نگارنده در مورد تاثیر عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان بر منطقه قفقاز، طی روند کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت در قالب سه بخش زیر تاکید دارد:

- بخش اول از نظر زمانی، کوتاه مدت است و در خصوص تحکیم روابط اقتصادی ارمنستان و ترکیه می‌باشد،

- بخش دوم از نظر زمانی میان مدت می‌باشد و پیرامون توسعه زیرساخت‌های دو کشور و همچنین احیا و ترمیم زیرساخت‌های منطقه‌ای بوده است،

- بخش سوم که مقارن با روند زمانی بلند مدت است در زمینه همگرایی اقتصادی و حل مسالمت آمیز اختلاف‌های سیاسی منطقه می‌باشد.

نگارنده معتقد است، قواعد و انتظاراتی که در هر مرحله طرفین و دولت‌های ذی‌نفع فرا را می‌گیرند، آنها را در رسیدن به مرحله بعد با دستاوردهای مثبت‌تر برای خود و منطقه پیش می‌برد.

الف) دستاوردهای کوتاه مدت، عادی سازی روابط دو کشور

بازگشایی مرزهای دو کشور اولین قدم برای عادی سازی روابط محسوب می‌شود. باید توجه داشته باشیم در پی مناقشه قره باغ و بسته شدن مرزها، ترکیه مرزهای خود را با ارمنستان بست و این امر سبب شد، ارمنستان در محاصره جغرافیایی قرار گیرد (از غرب به ترکیه و از شرق به جمهوری آذربایجان)؛ در چنین شرایطی ارمنستان فقط با دو کشور جمهوری اسلامی ایران در جنوب و گرجستان در شمال ارتباط مرزی داشت. این امر مشخصاً در کوتاه‌ترین مسافت هزینه ترانزیتی این کشور را به مقدار قابل توجهی افزایش داده است. برخی مطالعات این رقم را 20 تا 25 درصد ارزش اسمی یک کالا دانسته‌اند؛ چرا که ارمنستان مجبور است، 95 درصد کالاهای خود را از مسیر ترانزیتی گرجستان تامین کند که با بازگشایی مرزهای ترکیه و ارمنستان این هزینه اضافی از بین خواهد رفت. در مطالعه‌ای که توسط دکتر ریچارد بیلوک¹ و دکتر کارین تروسیان² در دانشگاه تغلیس صورت گرفت برای ارمنستان به ازای هر 10 درصد کاهش فاصله یا کاهش هزینه ترانزیت کالا، 15.6 درصد واردات از ترکیه و 12.6 درصد صادرات به این کشور افزایش می‌یابد که تاثیر قابل ذکری بر تولید ناخالص ملی ارمنستان خواهد گذاشت. البته این امر در کوتاه مدت موجب تغییر ساختار اقتصادی ارمنستان و صنایع این کشور نخواهد شد. (Torosyan , Beilok, 2009: 40)

در چنین شرایطی، پس از عادی سازی روابط، سهم دو کشور در اقتصاد یکدیگر به نحو قابل تاملی افزایش می‌یابد. در حال حاضر در رتبه بندی صادرات ارمنستان به کشورهای مختلف، ترکیه در ردیف 18 جای دارد و در بین واردکنندگان از کشورهای مختلف در ردیف هشتم می‌باشد. پیش بینی می‌شود، پس از بازگشایی مرزها، اگر ارمنستان از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کند به عنوان چهار یا پنجمین شریک تجاری ترکیه می‌شود. (Baghranyan, 2006: 97)

باید توجه داشت، تجارت خارجی ارتباط دو طرفه‌ای با سطح درآمد یک کشور دارد. یعنی هم از آن تاثیر می‌پذیرد و هم بر آن تاثیرگذار است. از آنجا که یکی از کارکردهای دولت-ملت‌ها افزایش رفاه شهروندان و تامین امنیت مالی آنها است؛ تجارت خارجی با توجه

¹. Richard Beilok

². karine Torosyan

به جمعیت کم ارمنستان، می‌تواند سهم به‌سزایی در افزایش رفاه و همچنین رضایت عمومی و مشروعیت نظام سیاسی ارمنستان داشته باشد.

در این راستا در جدول زیر تاثیرات اقتصادی کوتاه مدت (یک ساله) بازگشایی مرزها بر روی اقتصاد ارمنستان و افزایش سطح رفاه شهروندان به تفصیل بیان شده است.

تولید ناخالص ملی	رشد اشتغال	رشد صادرات	رشد واردات	شاخص قیمت مصرف	رشد دستمزد	سرمایه گذاری	رشد درآمدهای دولتی	درآمد خالص سرانه
0.67	1.573	5.23	4.71	0.03	0.28	0.27	1.16	0.50

Source: Hayk Barseghyan, Vadym Slobodyanyuk, Artashes Shaboyan, Grigor Sargsyan, Tigran Jrbashyan, 2006, 84.

همانطور که می‌بینیم بازگشایی مرزها در یک دوره یک ساله با تغییر محسوسی که در ایجاد اشتغال، سطح دستمزدها، سرمایه‌گذاری خارجی و سطح درآمد عمومی می‌گذارد، ظرفیت لازم برای تسری اقتصادی به حوزه‌های دیگر را نیز دارا می‌باشد.

آنچه گفته شد در ارتباط با تاثیر بازگشایی مرزها و عادی سازی روابط بر اقتصاد ارمنستان بود؛ حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین تاثیر محسوسی شامل حال اقتصاد ترکیه نیز می‌شود؟

از طرفی، ترکیه از برقراری ارتباط با ارمنستان تنها به دنبال پیگیری منافع اقتصادی نیست؛ بلکه این کشور از سال‌ها قبل درصدد الحاق به جامعه اقتصادی اروپا و پس از آن خواستار پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. یکی از موانع اتحادیه اروپا برای ترک‌ها، عدم توازن توسعه در این کشور است. همچنین ترکیه در استان‌های شرقی خود که همجوار با ارمنستان است از سطح کمتری از توسعه یافتگی برخوردار است. بسیاری از تحلیلگران معتقد می‌باشند، تولید ناخالص ملی ترکیه نسبت به ارمنستان چند ده برابر است؛ حال آنکه این شاخص در قسمت‌های شرقی ترکیه 2.5 برابر کمتر از ارمنستان است. بنابراین بازگشایی مرزها می‌تواند به تعادل و توازن توسعه در ترکیه که از موانع الحاق آن به اتحادیه اروپا است کمک کند و این امر سبب می‌شود در صورت پیوستن

ترکیه به اتحادیه اروپا این کشور بتواند از صندوقی که تامین کننده منابع مالی برای رفع عدم توازن توسعه در کشورهای عضو است بهره ببرد. (Giragosian, 2009)

از طرف دیگر ترک‌ها تمایل بسیار زیادی برای افزایش موقعیت خود در صحنه بین‌الملل و همچنین قفقاز دارند. آنها از ابتدای دهه نخست قرن 21 با پی‌ریزی عمیق استراتژیک سعی در به صفر رساندن تنش با همسایگان داشته‌اند. سیاستگذاران ترک بسیار مشتاق هستند تا در منطقه به عنوان یک قدرت بی‌طرف شناخته شوند. علاوه بر این، آنها میل و آفری برای دستیابی به جاده‌های ترانزیتی در سرتاسر قفقاز دارند و بسیار تلاش می‌کنند تا مقدمات اجرای پروژه‌های انتقال نفت و گاز دریای خزر به اروپا از خاک آنها فراهم شود تا هم نیازهای انرژی خود را حل کنند و هم سودی از انتقال حامل‌های انرژی نصیب آنها شود. در واقع، ترک‌ها در میان مدت و بلندمدت منافع بسیار زیادی از برقراری ارتباط با ارمنستان نسبت به مقطع زمانی کوتاه مدت کسب خواهند کرد.

ب) دستاوردهای میان مدت برقراری روابط میان ارمنستان و ترکیه برای منطقه قفقاز

همانطور که گفته شد در دستاوردهای کوتاه مدت که ناشی از بازگشایی مرزهای دو کشور بود، ما شاهد تغییر محسوسی در سطح معیشت و تجارت خارجی و افزایش زیرساخت‌های ارتباطی فی ما بین دو کشور بودیم. نگارنده معتقد است در مرحله میان مدت که دو کشور به سمت عادی سازی روابط پیش خواهند رفت، روند کاهش هزینه‌های ترانزیتی ادامه خواهد داشت و همچنین رشد شاخص‌های اقتصادی در ارمنستان و همچنین استان‌های شرقی ترکیه روند رو به رشد خود را طی خواهد کرد.

در جدول زیر تاثیرات اقتصادی میان مدت عادی سازی روابط دو کشور برای اقتصاد ارمنستان و افزایش سطح رفاه و معیشت شهروندان به تفصیل بیان شده است.

رشد دستمزد ناخالص	شاخص قیمت مصرفی	رشد واردات	رشد صادرات	رشد درآمدهای دولتی	رشد سرمایه گذاری	رشد اشتغال	درآمد خالص سرانه	تولید ناخالص ملی
0.91	0.68	12.95	17.73	3.46	0.59	4.808	1.62	2.70

Source: Hayk Barseghyan, Vadym Slobodyanyuk, Artashes Shaboyan, Grigor Sargsyan, Tigran Jrbashyan, 2006, 84.

اگر مقایسه‌ای میان شاخص توسعه اقتصادی ارمنستان در دو دوره ذکر شده داشته باشیم مشاهده می‌کنیم که این کشور رشد چند برابری را در دوره عادی سازی روابط تجربه می‌کند و انتظار می‌رود در چنین شرایطی تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی ارمنستان شکل بگیرد. از آنجا که این کشور با فقدان سرمایه لازم در دوران محاصره جغرافیایی رو به رو بوده، عمده صادرات و درآمدهای آن از محل صادرات مواد خام مانند مواد معدنی و صنایع سبک بوده است. از این رو در این دوره با توجه به رشد درآمدهای دولتی و شخصی و ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری، شاهد تغییراتی در ساختار اقتصادی این کشور و ایجاد صنایع سرمایه‌بر خواهیم بود.

در مورد ترکیه همانطور که قبلاً نیز گفته شد، اقتصاد ارمنستان توان تاثیرگذاری ندارد؛ اما به دلیل توسعه نیافتگی استان‌های مرزی ترکیه با ارمنستان، فرصت برای آنتالیای شرقی فراهم می‌شود تا گام‌هایی را به سمت توسعه یافتگی بردارد. در این مقطع از روابط دو کشور، علاوه بر استان کارس، استان‌هایی مانند تراپزن، اردهان و ایگدیر نیز که در مسیر ارتباطی دو کشور قرار دارند، سطحی از توسعه یافتگی را تجربه خواهند کرد.

البته بسیاری از کارشناسان معتقد هستند، نظر به رشد محسوسی که در ارمنستان و قسمت‌های کمتر توسعه یافته مرزی ترکیه در این دوره خواهد بود. زیرساخت‌های موجود توان انتقال و بهره برداری از ظرفیت‌های موجود را نخواهند داشت و دو کشور بایستی به سمت توسعه زیرساخت‌های ارتباطی گام بردارند.

در این راستا، تحلیلگران شش مسیر را واجد ظرفیت برای ایجاد ارتباط میان دو کشور می‌دانند که از بین این شش مسیر، دو مسیر اول دارای واجد اهمیت بیشتری است. (Torosyan, Beilok, 2009: 25-26)

مسیر اول با عبور از جنوب غربی متسامور¹ در 46 کیلومتری غرب ایروان و با گذر از استان‌های جنوبی ترکیه یعنی ایگدیر، اگری، ون، موس، بیتلیس امکان دستیابی ارمنستان به سوریه و جنوب غربی جمهوری اسلامی ایران را نیز فراهم می‌کند و همچنین قابلیت دسترسی به راه‌های شرق به غرب در آنتالیای مرکزی را نیز دارد.

مسیر دوم، امکان برقراری ارتباط بین ارمنستان و استان‌های غربی ترکیه یعنی کارس، ارزروم، اردهان، ارتوین، رایز و تراپزن را ایجاد می‌کند. از مزایای این مسیر ترانزیتی، متصل شدن به خطوط ریلی است که به بنادر مدیترانه منتهی می‌شود. لازم به ذکر است، استفاده از این مسیر پیشینه تاریخی دارد و امپراتوری روسیه و همچنین روسیه کمونیستی نیز برای ارتباط با اروپا از این مسیر بهره می‌برد.

مسیر سوم از 24 کیلومتری دهکده مارگرا، مسیر چهارم از دهکده باگاران، مسیر پنجم از دهکده هایکادزور و مسیر ششم از دهکده پاقاکن عبور کرده و به قلمرو سرزمینی ترکیه وارد می‌شود.

این سطح از همکاری و ارتباط دو کشور در حوزه اقتصادی و توسعه زیرساخت‌ها سبب اجرای پروژه‌هایی می‌شود که توسط اتحادیه اروپا در سطح منطقه اجرا می‌گردد. همانطور که می‌دانیم قفقاز از دیرباز به عنوان یک منطقه ترانزیتی مطرح بوده به نحوی که از غرب به شرق بین اروپا و آسیای مرکزی و از شمال به جنوب بین روسیه و خاورمیانه قرار دارد. یعنی دقیقاً حد فاصل منابع عمده عرضه و تقاضای انرژی در جهان قرار گرفته است. از این رو، اتحادیه اروپا از همان سال‌های ابتدای استقلال جمهوری‌های قفقاز سعی نمود با کمک‌های اقتصادی موجبات توسعه زیرساخت‌های ارتباطی برای انتقال انرژی و امنیت آن را فراهم سازد و همچنین این منطقه را از سیطره روس‌ها که در سال‌های بعد از اهرم انرژی برای مطامع سیاسی خود بهره می‌بردند، خارج نماید. (Sarukhanyan, 2009)

¹ Metsamor

این کمک‌ها که در قالب کمک‌های فنی به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع¹ از سال 1993 به قفقاز اختصاص یافت؛ شامل مجموعه‌ای از پروژه‌های زیرساختی بود که از مهم‌ترین آنها پروژه تراسکا و برنامه اینوگیت بود. که البته تراسکا از اهمیت بیشتری برخوردار است. این طرح جهت ارتباط بین دریایی سیاه و دریای خزر طرح ریزی شده بود و سامانه‌ای از خطوط ریلی، جاده‌ای و دریای را برای انتقال انرژی دریای خزر به اروپا را شامل می‌گردید. در همین راستا و با جزئیات کمتر برنامه اینوگیت در سال 1999 توسط اتحادیه اروپا کلید خورد که هدف آن ترغیب سرمایه‌گذاران و موسسات مالی به سرمایه‌گذاری در منطقه دریای خزر و همچنین بهبود امنیت عرضه انرژی اروپا به واسطه ارتقای خطوط لوله نفت و گاز در منطقه بود. (Economist, 2008)

از آنجا که بانی نشست ارمنستان و ترکیه در سال 2008 اتحادیه اروپا بود، می‌توان به راحتی از نقشی که در آینده عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان در توسعه پیشبرد اهداف اتحادیه اروپا برای توسعه زیرساخت‌ها و امنیت انرژی در منطقه و بیرون کشیدن اهرم انرژی از دست‌ان روس‌ها دارد، پرده برداشت. در این راستا، چهار خط لوله انرژی در منطقه وجود دارد؛ خط لوله باکو-ارزوننی-تیخورتک-نورسبیک خط لوله باکو-سوپسا خط لوله باکو-تفلیس-جیحان و در نهایت خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم از مجموع چهار خط لوله فوق دو خط لوله اخیر جهت استقلال عرضه انرژی به اتحادیه اروپا از روسیه و شکستن انحصار روس‌ها در عرضه انرژی به اروپا طراحی شده است؛ اما جنگ روسیه و گرجستان نشان داد به دلیل مجاورت گرجستان با روسیه و اختلاف‌های میان دو کشور این خطوط نظر اروپایی‌ها را در تامین امنیت عرضه انرژی حوزه دریای خزر به اتحادیه اروپا فراهم نخواهد کرد؛ همچنین این خطوط به دلیل انحراف از مسیر اصلی برای عبور نکردن از ارمنستان مشمول هزینه اضافی خواهند بود. لذا مسیر ارمنستان هم به لحاظ امنیت و هم از نظر هزینه مطلوب‌ترین راه می‌باشد، لذا حمایت اتحادیه اروپا از روند عادی‌سازی روابط میان ترکیه و ارمنستان و همچنین سرمایه‌گذاری آنها برای طرح ریزی خطوطی که از ارمنستان بگذرد را شاهد خواهیم بود. (Vasilyan, 2004: 16-22)

¹ Technical Assistance to the CIS

ج) دستاوردهای بلندمدت روابط ترکیه و ارمنستان برای منطقه

در این مقطع از روابط دو کشور، نتیجه تسری دستاوردهای دو مرحله قبل یعنی بازگشایی مرزها و عادی سازی روابط که به طور عمده در حوزه‌های اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی خلاصه می‌گردید، باعث وابستگی متقابل ارمنستان و ترکیه شده و با ایجاد اعتماد متقابل دو دشمن را به دو شریک قابل اعتماد تبدیل می‌کند. این وابستگی و به هم پیوستگی کشورهای منطقه که در اثر انطباق زیرساخت‌های ایجاد شده در دو کشور ارمنستان و ترکیه و پروژه‌های اروپایی اینوگیت و تراسکا به وجود آمده است؛ موجبات تغییرات در ساختارهای اقتصادی منطقه را فراهم می‌آورد.

نکته‌ای که در این مقطع می‌بایست به آن اشاره شود، نوع نگاه حامیان همگرایی منطقه‌ای و بنیان نشست زوریخ برای عادی سازی روابط ارمنستان و ترکیه و طرح‌ریزی افزایش همکاری میان سه جمهوری قفقاز جنوبی است. اتحادیه اروپا و ایالات متحده به عنوان حامیان این امر، هر دو با ماهیت همگرایی و افزایش همکاری در منطقه و پیشبرد طرح‌های اقتصادی، اشتراک نظر دارند؛ اما تفاوت آنها در اهداف سیاسی پشت این اهداف اقتصادی است.

آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت نظم سلسله مراتبی، همواره تلاش می‌کند از حرکت‌های گریز از مرکز نظم جهانی جلوگیری کند. در این راستا، محدودیت‌زایی برای روسیه و منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین اهداف سیاسی این کشور برای افزایش همکاری و همگرایی در منطقه قفقاز است. حال آنکه اتحادیه اروپا با توجه به وابستگی که در زمینه انرژی به روسیه دارد و همچنین منافع راهبردی که هم در زمینه انرژی و هم حمل و نقل آن می‌تواند از جمهوری اسلامی ایران نصیب این اتحادیه شود، باعث می‌گردد تا اتحادیه اروپا را از دنبال کردن اهداف آمریکا بر حذر دارد. لازم به ذکر است، یک سوم گاز اتحادیه اروپا که معادل 80 درصد انرژی اعضای جدید این اتحادیه است از روسیه تامین می‌شود. (Ibid, 27)

از طرف دیگر، فرانسه و آلمان، روسیه را کلید معمای امنیت و لایق‌ترین تامین‌کننده ثبات در قفقاز می‌دانند. در این میان، فرانسوی‌ها نسبت به ایجاد موازنه در منطقه و حتی در سراسر جهان میان روسیه و آمریکا، بی‌تمایل نیستند. در این راستا پارلمان اروپا در سال 2002 سیاست خود در قفقاز را رهیافت امنیتی چند جانبه با همکاری تمامی طرف‌های

ذی‌نفع یعنی آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد ثبات و حل مسالمت‌آمیز اختلافات و پرهیز از جنگ معرفی می‌کند. مجموع گفته‌های فوق بدان معنا است که آمریکا قائل به بازی با حاصل جمع صفر و اتحادیه اروپا معتقد به بازی با حاصل جمع مثبت است. (Wolff, 2010: 1-3)

به دلیل شباهت تاکتیک طرف‌های ذی‌نفع یعنی آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در ایجاد ثبات و همکاری میان جمهوری‌های قفقاز، کاهش تنش و جایگزینی روش‌های مسالمت‌آمیز به جای جنگ و تنش صورت می‌گیرد و حتی مناقشه قره‌باغ که به نظر می‌رسد، نقطه تلاقی عدم همگرایی منطقه است، می‌تواند همانند روابط ترکیه و ارمنستان با مساعی طرف‌های اروپایی، آمریکایی، ترک، ارمنی و آذری و با برگزاری همایشی بین‌المللی مشابه همایش بین‌المللی زوریخ در یک روند زمان‌بر حل گردد.

به نظر نگارنده، آنچه که در بسیاری از محافل با بزرگنمایی از تاثیر روابط ترکیه و ارمنستان در ایجاد بلوک بندی جدید قدرت و یک نظم امنیتی نوین یاد می‌شود به دلیل تفاوت ذکر شده در اهداف گروه‌های دخیل در این فرآیند، نمی‌تواند باشد.

آنچه که بسیاری به عنوان دو محور قدرت غرب_شرق که شامل آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه، گرجستان و جمهوری آذربایجان و محور شمال_جنوب یعنی روسیه، ارمنستان و جمهوری اسلامی ایران می‌دانند با بهبود روابط دو کشور ارمنستان و ترکیه دچار تحول محسوسی نمی‌شود؛ چرا که تغییر در این نظم مستلزم عامل‌های قوی‌تری مانند متقاعد شدن اتحادیه اروپا توسط آمریکا در منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران و روسیه و همچنین نوع تحولات روسیه و شدت همگرایی این کشور با اتحادیه اروپا است. (Thomas de Waal, 2010)

چنین شرایطی وقتی ملموس‌تر می‌شود که مواضع ارمنستان نیز در این رابطه در نظر گرفته شود؛ این کشور همواره سعی نموده میان دو محور یاد شده با احتیاط گام بردارد و در سیاست خارجی خود به نوعی توازن، بین این دو محور دست یابد. البته هیچگونه نشانه‌ای به عنوان دلیل تغییر در موضع این کشور با بهبود رابطه با ترکیه برای نزدیک شدن به محور غرب‌گرا دیده نمی‌شود. (Abasov, 2011)

اگر چه ما شاهد تغییر محسوسی در بلوک بندی قدرت و ایجاد ساز و کار جدید امنیتی نخواهیم بود ولی به دلیل وجود زیرساخت‌های ایجاد شده توسط برنامه‌های اروپایی و همچنین

تضمین امنیت انرژی، می‌توان افزایش نقش پذیری پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و حضور پررنگ‌تر آن را نسبت به قبل دید. (Borchert, Forster, 2009)

از سوی دیگر، تفاهم قدرت‌های اثرگذار در منطقه در ایجاد ثبات و تامین امنیت و حل مسالمت آمیز اختلافاتی مانند مناقشه قره باغ، راه را برای رفع موانع منطقه‌گرایی و همگرایی هر چه بیشتر منطقه هموار می‌کند. در چنین شرایطی، کشورهای منطقه در حوزه‌هایی همچون تجارت، انرژی، حمل و نقل، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت و معضلات امنیتی دغدغه‌های مشترکی می‌یابند و سود ناشی از همکاری هر چه بیشتر در یک سازمان بین‌دولتی منطقه‌ای را بیشتر از هزینه آن، تشخیص می‌دهند.

نتیجه گیری

هدف این نوشتار، بررسی دستاوردهای ناشی از برقراری مجدد روابط ترکیه و ارمنستان بر ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی است؛ نگارنده با انتخاب رویکرد نظری نوکارکردگرایی، سعی نمود متغیر مستقل بحث، یعنی از سرگیری روابط ارمنستان و ترکیه که خود در یک روند تکاملی قرار دارد و هنوز تا رسیدن به مطلوبیت فاصله دارد را در روند زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت بر متغیر وابسته یعنی ژئوپلیتیک قفقاز، مورد ارزیابی قرار دهد. در این مسیر، روابط ارمنستان و ترکیه با رویکردی تحول محور به سه دوره بازگشایی مرزها، عادی‌سازی روابط میان دو کشور و در نهایت شرکای قابل اعتماد، تقسیم بندی شده و در هر دوره به بررسی دستاوردهای آن پرداخته می‌شود.

نگارنده با مبنا قرار دادن شواهد تجربی، دوره بازگشایی مرزها را واجد دستاوردهای کوتاه مدت در حوزه اقتصاد هر دو کشور می‌داند و معتقد است، این امر فقط حجم مبادلات تجاری دو کشور را افزایش می‌دهد و حتی تاثیری بر تغییر ساختار اقتصادی و صنعتی دو کشور ندارد.

در مرحله میان مدت که دوره عادی سازی روابط میان دو کشور است به دلیل تداوم کاهش هزینه‌های عبوری، حجم مبادلات تجاری افزایش بیشتری می‌یابد به نحوی که زیرساخت‌های موجود توان انتقال چنین حجم تجاری را ندارند و بنابراین پیشرفت در حوزه تجارت به توسعه زیرساخت‌های دو کشور سرایت می‌کند و از آنجا که توسعه این

زیرساخت‌های ارتباطی با پروژه‌های اروپایی مانند تراسکا و اینوگیت همپوشانی می‌یابد، زمینه برای نزدیکی روابط سه جمهوری قفقاز جنوبی فراهم می‌شود.

در مرحله بعد که از باب دستاوردها، دوره طولانی مدت و از نظر دوره، روابط دو کشور در مرحله شرکای قابل اعتماد قرار دارد؛ افزایش حجم مبادلات تجاری و وابستگی کشورهای منطقه به یکدیگر به واسطه پروژه‌های زیرساختی انتقال انرژی به حوزه‌های سیاسی سرایت می‌کند تا بتواند موثر در حل اختلاف‌ها و تنش‌های سیاسی میان دو کشور مخصوصاً مناقشه قره باغ باشد.

نگارنده اعتقاد دارد، مولفه حسن روابط میان دو کشور نمی‌تواند به تنهایی، بلوک‌بندی قدرت در منطقه را تحت تاثیر قرار دهد چرا که حامیان همگرایی منطقه و بانیان بهبود روابط ترکیه و ارمنستان یعنی آمریکا و اتحادیه اروپا، بر همگرایی و افزایش سطح همکاری میان سه جمهوری توافق دارند؛ اما آنها از دو استراتژی مختلف و دو هدف سیاسی مختلف برای رسیدن به این مهم بهره می‌برند. بنابراین اشتراک نظر میان آنها موجبات همگرایی و همکاری بیشتر در بلندمدت را فراهم می‌کند، اما افق روشنی برای تغییر در نظم امنیتی منطقه دیده نمی‌شود.

منابع و مأخذ

1. احمدپور، سجاد (1389)، "روابط ترکیه با یونان و ارمنستان"، پایان نامه دانشجویی: دانشگاه علامه طباطبایی.
2. قهرمانپور، رحمان (1388)، "بخش، اما فراموش نکن: فروپاشی دیوار بی اعتمادی میان ترکیه و ارمنستان"، همشهری دیپلماتیک، شماره 39، آبان.
3. مشیرزاده، حمیرا (1385)، "تحول در نظریه‌های روابط بین الملل"، تهران: سمت.
4. Abasov, Ali (2011), " **Regional Security and Conflict Resolution Processes in South Caucasus** ", Available in: www.regnum.ru/news/1250507.html, Wednesday, February 2nd.
5. "An Edgy Neighborhood has Become both more Dangerous and more Important", Available in: http://www.economist.com/node/12415100?story_id=12415100, Oct 16th 2008.
6. Barseghyan, Hayk, Vadym Slobodyanyuk, Artashes Shaboyan, Grigor Sargsyan, Tigran Jrbashyan (2006), " **Study of the Economic Impact on the Armenian Economy from Re-Opening the Turkish-Armenian Borders. Implications for External Trade** ", Yervan: Armenia-Turkey Border Opening Conference Proceedings, 26 Oct.
7. Baghranyan, Mher (2006), " **Estimating the Change in Trade Flows between Armenia and Turkey if the Border is Open: Case Study Based on Georgia-Turkey and Armenia-Iran** ", Yervan: Armenia-Turkey Border Opening Conference Proceedings, 26 Oct.
8. De Waal, Thomas, " **South Caucasus 2020** ", Available in: <http://russia-2020.org/2010/07/23/south-caucasus-2020/>, 2010/07/23.
9. Heiko Borchert, Forster, Karina, " **EU and NATO must Work Together to Guarantee Energy Infrastructure Security...** " Available in: www.secur.info, march 2007.
10. Görgülü, Aybars (2008), " **Turkey-Armenia Relations: An Eternal Deadlock?** " Yerevan: Caucasus Institute.
11. Giragosian, Richard (2009), " **Changing Armenia-Turkish Relations** ", Yerevan: Armenian Centre for National and International Studies (ACNIS).
12. Sarukhanyan, Sevak, " **NABUCCO Gas Pipeline and Armenia**, Available in: http://www.noravank.am/eng/articles/detail.php?ELEMENT_ID=3588,21/7/2009
13. Torosyan, karine, Beilok, Richard (2009), " **Economic Potential for Regional Integration of Armenia and Eastern Turkey** ", Tbilisi: International School of Economics at Tbilisi State University.
14. Vasilyan, Syuzanna (2004), " **The Policy of Regional Cooperation in the South Caucasus** ", Centro Argentino de Estudios Internacionales.

15. Wolff ,Stefan (2010)," **Prospects of an EU Strategy for the Caucasus**",
Centre of International Studies, University of Oxford.